

جای اداره کسما

میر - غلامحسین کسمانی

ملکرافات و مکاتیب  
باید بعنوان ذیل باشد

جنگل

بر ماه چهارم طبع و توزیع خواهد

مکتب نمره هفت شاهی

# بیتکلیف

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوامح و اعلا  
خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضا

و عنوان پذیرفته نشود

و به اشتراک بپذیرنده دریافت نمود

قیمت اشتراک

یکسال ۵۰ قران

تاریخ پخش ۲۹ صبح الاول ۱۳۳۵

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

## حقایق را درک کنید

فریاد از جهالت

برای اشخاص با خبر هیچ دردی بدتر از بی خبری نیست

برای مردمان مدرک هیچ مرضی مهلک تر از عدم مدرک  
دزد و با دزدی یک قومی نیست

ملت جاهل از هر ناحیه صدائی استماع کند بدون ملاحظه  
باثر آن می رود بی آنکه بفهمد این صدا از کجاست و مقصودها

صدیعت تعقیب و دنبال گیری آن مفید است یا مضرت  
بر عکس ملت مطلع و آگاه می شود باثر هر آوازی سیر

نکرده و دنبال هر چیزی را نمیگیرد مگر وایه از آقبلا  
حس نماید

ایمان از بیعلی و غفلت تا سفاک بشنومیم که باره  
مندرجات جریده رعد درباره مستوفی الممالک تریه  
است بعضی بخیران را دچار تردید نماید

استباه و غلط آن جریده بعضی که میان را تا اندازه  
گویا می خواهد گرفتار شنبه نماید آه از بلاست  
این جاست که نهان حاس که رفته شده بیاس

درمان شدید معان میگرد این مورد است شخص  
بصیر مصادف با حیرت و افسوس میشود جریده رعد چه میگوید  
گرچه جریده رعد تو بهار تاریخ مختصر و قانع جنگ بین المللی را  
که بهترین رد اشتباهات رعد است در تحت عنوان  
(تاریخچه ۲ سال و نیمه ما و جنگ) نگاشته و ما را  
بی نیاز از ذکر یک تاریخچه نموده ولی ما هم بقدر سهم  
خود شروع بیک جمله نموده و نعمت از مندرجات  
رعد را که راجع ب حاضر کردن شرایط معاهده جدیدی  
بوده و مستوفی الممالک تقدیم داشته جواب میگویم  
رعد میگوید روس و انگلیس حاضر بودند که با دولت  
ایران با بعضی شرایط که با آنها اشاره کرده اتحاد جدید  
منعقد کنند و ممکن بود رئیس الوزراء آنوقت از دولتین  
استفاده کامل نماید زهی تعجب اگر قدری در همین شرایط  
که امروزه مدیر محترم رعد ذکر کرده و مستوفی الممالک  
را برای آنها ملامت میکند تعمق شود معلوم میشود بجز با  
سخن میرابد و مستوفی الممالک بجز خود تو بیخ کرده و مختصر  
زار میدهد که چرا با همانده استقلال ایران را منحور کرد  
و ایران را بالمره تسلیم دولتین روس و انگلیس نمود

قدری با زبان قوم بدون پیرایه های انشائی محبت کنیم و  
 این جملاتی که مشغول نوشتن آن هستیم خیلی شایسته نگار  
 خانه بادقت توجه کنند.  
 در آن روز دولت متبذره روس و دولت ضعیف  
 آزار انگلیس با دولت بیطرف مظلوم ایران بمقام  
 دوستی و دواد بودند؛ و او را یک دولت مستقل  
 با حقیقی تصور میکردند؛ و این همه دیده ایم هنوز از حال  
 گذشته و تا این اندازه که بدیر محترم رعده گمان دارد  
 فراموشی و غفلت با مصلحتش خوب بخاطر داریم  
 که دولتین بعد از تعیین منطقه نفوذ دولت ایران را  
 مانند امارت بخارا یا یکی از امارات بی استقلال نظر  
 کرده معاطه را که انگلیس در مصر دروس در کرمان  
 وجود نمودند تقریباً جهان رویه رفتار داشتند  
 با اینکه استبداد روسیه محو و عناصر نوع پرست  
 بالشویک همه نوع مساعدت را با ایرانیهاد دارند؛  
 اقبال قایم علیه دولت انگلیس در مملکت آتمونیه علی است  
 فوفا تصدیق کنیم شریطی را که بدیر محترم رعده جان کرد  
 و ابی با معایبی که در آن شرایط مستتر است بسیار  
 داعی تا..... برای ایران نافع باشد و دولتین هم

ایران

قول میکردند؛ یا تعهد و فای آن بعد از کدام شخص بود  
 اوراق عهدنامه جات در کابینه های وزارت خانه  
 موجود است کی دفا کرد؛ در این فراز رجوع تاریخ  
 صد ساله ایران میکنیم بعد از مردم انصاف میخواهیم  
 که آیا باید بدیر محترم رعده در محله ای که بمسئول الملک  
 نموده تصدیق کرد یا نه و ایرادش سیاست یا  
 میوضع معاهده گلستان معاقب و ترکمان چاک  
 عهدنامه برلین و سایر معاهداتی را که دولتین در  
 این مدت با ایران منعقد نمودند با اینکه برای  
 غفلت و بی اطلاعی از امور سیاسی و ملیکی و یا  
 خیانت رجال آزروری تا نا مقصود بلکه بی رغبتش  
 در اندام استقلال ایران حربه برنده بود معاهده با  
 همه مضراتش دولتین حاضر شدند بیک ماده  
 از موادش ای بندگانه شرافت قول و عهد خود را  
 حفظ نمایند؛ خیر هر قطعه از قطعات مملکت را پس از عقد  
 یک عهد جدید با جهان و دسببه جدیدی تجزیه کرده  
 آنوقت معاهده دیگری نمودند همان طور با همان  
 معهوده ایران را مواضع کرده و بروردگار سیاه امزده  
 نشاندند؛ آیا بلا و کتسبیکه پرست از معاولات

مکتب فغلی بیاست قدیمه روسیه و ایران

پولتیک خارج روسیه متبذره از برای ایرانیان با اندازه هولناک و قهر آمیز بود و ایران را در ذلیل  
 و پستیان ساخته بود که قلم از بیان آنها الحق عاجز است تمام آزادیخواهان روسیه فجاج و حشت آمیزند و  
 استبداد روس را بخوبی مسوقند.  
 پتر بزرگ بعد از موفق شدن اصلاحات مملکتش تعلیمات اساسی را بر سر راه آموزش خجالات  
 خود و وصیت کرده بود روسیه از ان تاریخ تا بحال از دویدن و دنباله گیری مقاصد جانگیری و  
 تجزیری و بی غفلت نورزیده است زحماتی قدیم از مملکت فعالیت پرستی (amalgamation) تصد  
 جانگیری کرده نظیر این واسطه اقدار خود را در انجام کار بعرضه تباه گذاشته بودند.  
 هیچ قوه قاهره دولتی یک حکم را موفق بجایگیری کرده و من بعد هم نخواهد کرد مگر آثار مدققت

شماره بیست و دوم  
 و معاهداتی که  
 ایران با یک  
 دوزخ و ناموس  
 برای ما بران  
 و بیانشان را  
 نزدیک تر  
 با ایران است  
 ایران را تسلیم  
 دعوی و زور  
 شایکدام حرف  
 بر نه داشته  
 یکی از اقوال  
 گذاشته و یا  
 روس با بق  
 حمل آذوقه و  
 اتباع تمام  
 از سابق بود  
 رحمت کنند  
 مراجعت نمود  
 تا اندازه اف  
 واحامات  
 همچنین نمایان  
 اول مناسبت  
 پادشاهان  
 خیال روی  
 فوق العاده  
 اگر اراده الهیه  
 پولتیک  
 نمود.

و مسأله اینکه این دو دولت حق شکن نبوده و مقام  
 ایران با یک طرز عبرت آوری جز بمبله اطفاهای  
 دوزا، و نامورین وطن خواه باشد عملیات آن  
 برای ما برهان قاطعی نیست که هرگز عهدش از او محکم  
 و بیانشان راست و بکلی بی اساس معتقد شویم برای  
 نزدیک تر معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع  
 بایران است که مکرر تائید ملکیه و استقلالیه  
 ایران را قیلم داشته بلکه مثل (عزیزان بی صفت  
 دعوی و زور و قیومت نموده و هیچ کس منگفت  
 شاید کدام حرف صواب و مدبرک صحیح دست از پرده  
 برنداشته و میخواستند قیتم تا شود)

یکی از اقوال خودشان را در این مورد مبروح اجرا  
 گذاشته و یا اسات صدقی برای آن نمودند قون  
 روس با تصور یا تحریک دولت انگلیس ماسم  
 حمل آذوقه و حفاظت از اتباع خارجه (در حالتیکه  
 اتباع تمام دول خارجه در کمال امنیت و تجارتشان  
 از سابق بود) وارد ایران شد که پس از قهر انقلاب  
 رجعت کنند با آنها اطمینان گیتی و قوی قشون روس با  
 مراجعت نمود یا اینکه اینقدر مانند و بعدوستان  
 تا اندازه افزودند که ایران را یک خوابه هولناکی نمود

و علامت که با فعالیت ذوق کرانه های بالثوبیک  
 رجعت نمایند بر خلاف میل و رضای دولت فحینه  
 انگلیس است

در این صورت چگونه مواعید بی سر و پای آنها را که  
 چراز تر دیرات دیپلوماسی بود بدون اظهار  
 صمیمیت عملی با کثف عهد های سری که برای نفیسم ایران  
 و عثمانی نموده بودند میخواستیم قبول کنیم  
 آیا در لندن در آنروز حاضر بودند تضمینات و تعویضات  
 بدولت ایران بدهند یا اقلاً ایران را بحال خود  
 گذاشته و دست از سر بحاره ایرانی بکشند و در صورتیکه  
 قولاً حاضر بودند یا اعلامیم ابر از صدق نمودند و تا چه  
 بانه دفاعی بعد خود را امتحان میدادند این حالت  
 که بلا اتمل همیست و در لندن معلوم گشته و آشکار میگردد  
 که مدیر محترم رعد با چه زمانی در خیال شده اذ آن است  
 مدیر محترم رعد میگوید (شرایطی را این حاضر کردم)  
 باید گفت مدیر رعد و ولین انگلیس و بوده یا مانند همگ  
 آنها یا اینکه حاضر کردن این شرایط همان آرزوی  
 بی ربط جوانان یا سردستان و ذکرش در امر و خط  
 برای خواب کردن اذ آن است .

خوب مدیر رعد شرایط را حاضر کرد کی بایستی ذوق

و احاسات انانیت که هنوز بکفرت عالمی را که همه مجبوراً مقید با طاعتش باشند ندارد ولی از حوادث بیام  
 همچنین نمایان میشود که دنیا غریب عرصه تحولات عمیق خواهد شد .

اول مناسبات روسیه با ایران تقریباً در اواخر سلطنت صفویه بوده است آن روزی که ایران بر  
 پادشاهان ناهل و نالایق در هرج و مرج می غلطید .

خیال روسیه بعد از بلعیدن طوائف قفقاز اشغال ایران و هندوستان بود چون روسها بوقیبت  
 فوق العاده خط ایران تلفت بودند ولی قدرت نادری گذشت که ایران لگد کوب و پایمال شود  
 اگر اراده الهیه از بهر زندگانی یک ملت تعلق داشته باشد حوادث در فراهم آوردن اسباب فتنای آن عاجز نخواهد بود  
 پرلتیک شیطان پسندانه (کاترین) از یکطرف عثمانی مغلوب و از طرف دیگر (پولونیا) را منضم  
 نمود . روسیه با قوه ترونازه خود با یک حرص قوی داخل مبارزه میدان سیاست شده ولی خیلی پیروز

موش  
 زیاد

مخمس بود  
 خاز  
 ع با یخ  
 می خواهم  
 فی الملک  
 است یا  
 زمان چا  
 ولین  
 برای  
 یکی و یا  
 فصل  
 معده با  
 ماده  
 عهد خود  
 پس از  
 بزیه کرده  
 همان جا  
 سیاه مزه  
 ولات  
 دلیل  
 آمیزد  
 خال  
 گیری و  
 تصد  
 قیمت

از روز قبول کند دولتین باین بابشان اگر دولتین حاضر قبول بودند چرا نکردند اگر من باید قبول کنم گرچه در آن شرایط ممکن است خیلی تقبالت باشد مع ذلک برای اطاعت میل مدیر محترم رعد قبول داشته و رد نمیکنم اگر نوشتن و قبول خود مدیر عد کافی بود پس بک جمله را که ما نمیدانستیم خوشحاله کشف آن موفق شدیم که دولتین فهمیدند این بود و مدیر رعد قیم دولتین (فرع زیاده بر اصل گویند و یا جابمورد نباشد) اما با عثمانی و آلمانی متحد شد و (آن مدیر محترم یقیناً مایل باین اتحاد بودند) مستوفی الممالک از اینها برای سعادت مملکت نتوانست استفاده کند باید از آقای سپهسالار عظم و آقای فرمانفرما که بدستخانه در کابینه آن روزی عضویت داشتند تحقیق نمود مندرجات نویه در مباراتیم در مقابل گذاشت تا به دلیل شود که مستوفی الممالک نتوانست استفاده کند باین دو وزیر ایران پرست خیالات او را عظیم گذاشتند.

بجرم نشون روس سالی تحت درخواست کلا راندار می انفضال دارا شوروی سنگیری عده از وکلا و حار حرکتشان نسبت تم و خیال جاجرت

تا بعد از بران از طهران و سایر حوادثی که ظاهر شده آیا برای اثبات مدعای ما کافی نیست بازیم دلیل مستوفی الممالک از دوستی دولتین استفاده نکرد با اینکه بقول بهقلم محترم ما ممکن بود ولی کفایت نداشت فرمانفرما سپهسالار و ثوق الدوله هر یک در زمان زمام داری خود که از صواب عزای بیشتر ناله داشتند برای حفظ خواهد غیر حتمه دولتین و بر بادوی ایران بیشتر از خود دولتین از تمام داشته تسلیم صرف اجابت بودند اما معامله دولتین با آنها چگونه بود چرا آنها آن استفاده باینرا که رعایت نمودند یا دولتین با آنها حاضر نشدند با همصمیمیت این سه رئیس الوزراء جز اینکه دلفک و منخره سعادت روس شریعت زاده قایمقام الملک بانها حاکم مطلق و هر ره گردای الواط تبعه روس فرمانفرما و امر بهبه وزراء و رجال بودند و زرا ای که با عقاید و خواہشات دولتین و نیات سوءشان در باره ایران همراه بوده حتی کارگیشان بودند و دولتین برای جلب خاطر یا بقای اعتبارات آن وزراء اگر اندک مساعدتی نشان دادند.

بمع یک ازین وزراء طرفدار دولتین در چین

درجه که با پروسیا و اطریش (اتفاق مقدس *honne alliance*) بسته خواست حرکات انقلابی فرانسه را که تازه از غلب طلوع کرده بود ساکت کند باز همان غرور استبداد قیام ملی (منگری) را بر حسب دعوت اطریش ماسر نیزه خاموش کرد ولی بهای بیون با قتل هس و خسارتهای بی اندازه که هنوز از قلوب مردم انامان محونده است.

پولیک استیلا و استملاک که باعث شدیدترین زوال حق حیات است نوبه نویه در قریم قفقاز مولتان، ترکستان، مجری شد. کشف حوالی (سیریا)، از طرف قزاق (پرموکن) چشم چرخش استبداد را بسوی اقصای شرق متوجه کرده بود.

حوادث متصلا بروسیه یاری میکرد و زمامداران چاریزم از فرصتهای زمان و از احوال پرفانی طمانیکه در اطراف روسیه خون خودشان را میخوردند سودهای دافر میروند. موفقیتهای پی در پی در آذربایجان

شماره بیست و دوم  
دوستی و طاعت  
الممالک برای  
مستوفی الممالک  
را بر دوس  
ایران را بجا  
ولی تاراج کند  
دفاع نموده  
پلتیک و  
انتفاک خلی  
اما چرا  
جنگ آنروز  
راز خیالات  
عثمانی آگاه که  
با آن ترتیبات  
کرده هجوم نمود  
این فرصت  
مقتضی از تقصیر  
می شود! حل  
ما همین  
حق طلبی و وطن  
خلق خالی از بیعت  
دنیا و روسیه  
برای اینطور  
استبدادی که  
بطرز میل انجلیک  
و بحری المان  
یا فرانسه در  
رابط و در  
از ان عقد نمود

دستی و طاعت استفاده مختصری نمودند که نامتونی  
 الممالک برای عدم تحصیل آن مورد تنقید شود محجبا.  
 مستوفی الممالک مورد تنقید و تهمت میگردد که چرا ایران  
 را بر دس و انگلیس نفوذت و برای رضای دولتین  
 ایران را بجنب متحدین اروپای مرکزی سوق نداد  
 ولی تاریخ کنندگان ایران و مزدوران اجانب  
 دفاع نموده تقویت میکنند برای اینکه محض ترویج  
 پلنگ و تشدید نفوذ دولتین مملکت ما را باین حال  
 اشتغال غلی ببلایا گردند.

اشخاص شرح بن مختصر پرداخته تحقیق کلی را از روزنامه  
 محترمه نوبهار که بسیار صحیحه مشغول شرح اصل  
 قضیه است منظریم.  
 بقدر سهم خود از یک عضو پاک ایرانی که در تمام بن  
 زندگانی خود از روی صحت و درستی رفتار کرده اند  
 نموده ملت زود باور ساده لوح خود را مخاطب  
 ساخته میگوئیم بهر قولی ذیبت نخورید و بنال هر حد  
 زودید بالاخره

حقایق را درک کنید

ترجمه از روزنامه چاق سوز

بوجب نگارشات جوانان ایران در اکثر بلاد ایران  
 گرسنگی و قحطی شدت حکمفرماست تدبیرات حکومت  
 ایران در این خصوص که اتخاذ نموده است به تمام  
 حکام ایالات و ولایات حکم کرده است که انبارهای  
 غله اتباع خارجی را حراج نمایند.

در قزوین - ۲۰ نفوسالدهت بخانه اقا محمد نام تاجر  
 ریخته همت هزار تومان پول و قدری جواهرات برت  
 برداند

کیساریای محلی تعقیب نموده ولی موفقیت حاصل  
 نکردند مخصوصا از طرف سالدهت تا یک مرتبه رفت

اما چرا اتحاد با آلمان را موفق نشد باز هم باید زور  
 جنگ آن روزی تحقیق نمود و با و ابراد کرد که چرا نمایان  
 را از خیالات رئیس الوزراء در مسئله اتحاد با آلمان  
 عثمانی آگاه کرده و تئون روس هم بر بی پای تحت  
 با آن ترتیباتی که امروز عمداً بدیدر محترم رعد فراموش  
 کرده هجوم نموده مانع از موقعیت دولت گردیده و  
 این فرصت بزرگ هم بر ایگان از دست یافت -  
 مقصود از تقوض محفوظ - بی تقصیر مورد تقوض و قیمت  
 میشود! حل این معما باز هم بعد از افکار عامه است  
 ما همین مقدار قناعت نموده در عالم حق گوئی و  
 حق طلبی و طرفداری از حق بی ملاحظه حب و بغض

خلق خالی از بعضی تاثیرات نبود اگر بخت اقبال را بترقیات ملل غلبت و بیم میشود گفت که اول ملت اقبال  
 دنیا رویت است. استبداد چاریزم که با ظلم و جور بی اندازه خلق را از خودش متنفر کرده بود  
 برای اینطور تاثیرات ملت را با فتوحات جدید سرمت و گرم میشود. خصوصاً فتوحات برای حکومت  
 استبدادی که همه وقت سرف و رشوه خور میباشند حاصل کلی حاصل میکرد. جنگ روس و ژاپون  
 بطرز میل انگلیس خاتمه یافت ولی چاریزم با از عادات ویرانه خود دست نکشید. انگلیس از ترس ژاپنی  
 و بحری آلمان که فی الحقیقه خالی از دهنش دول نبود مجبور شد که از سیاست انفرادی خود صرف نظر نموده  
 با فرانسه و روسیه متحد باشد. اول با دولت فرانسه در باره مصر و فانس معااهده (Entente cordiale)  
 را بست و در تاریخ ۱۹۰۷ با روسیه (ایف دولگی) وزیر خارجه روس عهدنامه مشهور را در باره  
 ایران عقده نمود. انگلیس بعد ازین تاریخ هر وقت طرفدار چاریزم شد در روزنامه دارا کردند که عالی

نیازم  
 ظاهر شد  
 دولتین  
 ممکن بود  
 مار و لوق  
 که از صفا  
 دولتین  
 دولت  
 در اینها  
 که رعیت  
 صمیمیت  
 و منوره  
 الملک بانها  
 روس  
 وزیر ایگه  
 سوستان  
 مان بود  
 ت آن  
 در صحن  
 فرانسه را  
 عوه ایش  
 مردم  
 قفقاز  
 هم چریس  
 شانی  
 در آلمان

پی در پی بیرون آمدن آسایش از مالی بدبخت طلب  
 شده و بی اندازه بوخت و دهرت اندرند - جلوی  
 این نوع زدوی مارا قوه نیست که نگه داری نماید.  
 در خصوص سرفقت سالدها که در قزوین شده است  
 بوزارت امور خارجه مکتوبی نوشته شد اما فضای  
 جلوگیری را خواستارند  
 از قرار خبر خصوصی که رسیده است فیما بین امیر  
 و اقدار سلطنت در نزدیکی سن آباد کجور مختصر زود  
 خوردی شده در این جنگ و نفر خدرا شده  
 بعد اقدار سلطنت بطرف جنب آباد رفت معافه  
 الملک با امیر سلطنت و قدری سواره و پیاده  
 بردشته به پیش اقدار سلطنت آمده اند

جنگل

جله راجع بحراج انبارهای غلام ترید است

مکتوب

مقام محترم هیئت اتحاد اسلام و امت برکات را  
 بیکمیت از مردمان دور افتاده از آبادی و گوشه  
 نشینان سیامکل و دیلمانرا جلب و بعضی نگر  
 صیسی از تکلیف مجلس تحقیقات متوجه نمایم  
 بعد از بدبختیها و ظلمت های بسیار که در تحقیقات آنها

مثل کوسفند قربانی بهر مسلح که پیشان بوده بضرر تعلق  
 و چاق و انواع شکنجه باز میگردند کور کوراته مارا  
 مقلد خود دانسته و با آنکه تصور میکردند که خداوند  
 مارا برای ذلت و رحمت خلق فرموده در این سنوا  
 ماضیه آنچه را که سزاوار بر جمع ذی روحی نبوده بر سر ما  
 بدبخت ما وارد میباشند بطوریکه ابد امکان نبوده  
 بتوانیم اظهار حس و حیات نمایم عاقبت چیزی که مارا  
 امیدوار نموده همان قوای ملیه و فداکاری چندین  
 ساله و احساسات وطن پرستانه ذوات مقدران  
 نیست ندادت نصرتهم که بحسن عاقبت عموم ملت گیلان  
 تلقی نموده خصوصاً آتش را عدالت تاسیس مجلس  
 قانونی در کلیه قضایات و نزاحی گیلانات فاصده  
 قضیه دیلمان که ابد احتمال این بدل توجه نمایند  
 سرفراز و موفق شدیم که البته از غره ریح التولود  
 مجلس تحقیقات از طرف هیئت مقدسه تاسیس برای  
 رسیدگی بموجب اعلان رسمی بحقوق کلیه مردم دیون  
 هیچ ملاحظه و تأمین در حفظ نوامیس و جلوگیری از فرس  
 فواحش و خیانات و سرقت شده امید داریم از حضرت  
 منان آن ذوات مقدسه را از بر آفت و بدی مصون

از نوکست و اقدار روسیه و باین واسطه (ژنرلین) های انگلیسی را که متفرار استبداد روسیه بودند از  
 هواخوانان خود کردند. مقاله دوم حکومتین نفوذ روسیه را در منولستان و نفوذ انگلیس را در  
 (بخت) متعهد شد.

استبداد روسیه ایرانیا را جملای چه مصیبتها کرده است لزوم بشرح ندارد برای اینکه واقعات این  
 عصر را همه میدانیم. انتریک بازی و شدت روسیه تا اندازه این ملت بیچاره را فشرده است که  
 ایران عصر از حرابی و پریشانی نمیتواند خلاص شود. انگلیس هم ظاهراً انگلی در باطن با یک پرکرم  
 صیب دارد کار میکند.

زمانی که جنگ عمومی شروع کردید ایران بار دوامی جنگی و منبطره های خونین ملک خود تماشایی  
 کشت در حوالی غرب ایران آماندند گانیزان باید بخت از (ارس) گرفته تا نصف ایران همه جا  
 بقیه دارد

شماره بیست دوم  
 و محروس فرما  
 باشد مانده کا  
 را در جریده فر  
 قطار اشخاص  
 کسیر  
 جمعیت کثیری  
 وارد گشته و  
 میگردد و بدین  
 نظر گرسنه و  
 نوع پرست  
 آسایش حال  
 علوی آقای  
 عوده الوتقی  
 اعضا کسیر  
 مقدس اتحاد  
 محترم نیرهای  
 حواله داده که  
 بر دارند اقد  
 با نکال جدیت  
 بجدت  
 های گیلان  
 هیئت در هر دو  
 و زندگی آنها  
 آقای میر محمد  
 بیت مقدس اتحاد  
 خود مند ملت

و محروس فرماید و جمیعتاً داریم که اگر عارض ما قابل باشد ما گنجه گان را از زمره زندگان محسوب و این مقاله را در جریده فریده جنگل دام بقائه ثبت فرمایند تا در قطار اشخاص صاحب روح شباریم فلکم الاعلی بدم  
بامضا ۲۲ نفر

### کمیسیون اعانه فقرا

جمیعت کثیری از فقرا، و مساکین که از داخله ایران گیلان وارد گشته و همه بحال پریشانی و بیوفائی گذرانیده و تلف میگردد و ایند مخصوصاً در داخله شهر سجا و زانفت هزار نفر گرسنه و بیجانان میباشد کمیونی از اشخاص نوع پرست و نیکوکاران و مشغول تهیه موجبات آسایش حال فقرا گردیدند آقای حاجی سید مهدی علوی آقای اسکندر خان آقای حاجی آقا رضا مدرس عوده الودقی آقای میرزا محمود خان معاون کارگری که اعضا کمیسیون بمقتضی عنوان نمایندگی بگما آمده از بیت مقدس اتحاد اسلام درخواست مساعدت نمودند و نهایت محترم نیرمایی ده هزار تومان با دانه و جو مات نیت حواله داده که بر مابه مبلغ مذکور از کمیسیون اعانه پرداختند اقدامات نوع پرستانه اعضا کمیسیون که بانگال حدیث مراقب اسایش فقرا بمقتضی قابل تحسین و تجدد است تقریباً مساوی فقرای شهری و دهات های گیلان اشخاص غریب پریشان رنجیده اند که بحکم بیست و هردی از آنها پذیرائی نموده و سایر اسایش و زندگی آنها را فراهم کرده و میکنند (پایه با مواد و برادری)

### رفع اشتباه

آقای میر محمد حسین خان مدیر الیه گیلان برای ملاقات کارکنان بیت مقدس اتحاد اسلام بگما، دو روز و دو شب از ملاقات بجا نرسیده خود منقلبت رعد را بر وجه توقیف ایشان آقای کارگر

جد آنکندید مکتب پریشان را همیشه از اشخاص کافی صریح معلول و نه سه صورت این نوع ما مرین کافی لاین را بر وقت فراوانیم

### تقریر

جریده شریفه زمان آزاد را که الحق زبانی است حق کو و آزاد تبریک میگوئیم.

### بشارت

جریده شریفه خورشید از حاق تعطیل خارج بطولع نامی خود نورانیتی جدید بعوالم مطبوعات اندازی نمود.

### چند کلام

مطبوعات

« استوار کابینه های ایران »

« فدا یک قوه مقتدری باید تهیه شود که میت دولت آنگاه و آن قوه داشته تا بتواند کار کند : وطن هم رضی شود. »

« اولاً : افکار عمومی یا بیعت پارلمانی وجود ندارد و تا یکسال هم ممکن نیست موفق گردید. »

« دوماً : قوه را که دیر وطن بیدار است ولی نشان نداده و متوقف کرده است. »

ما نشان میدیم پلیس خوب است پلیس شمال هم

سوماً : لزوم تشکیل مجلس شاوره سلطنتی در حین پارلمان بتابع افکار دیر وطن و هم سلکانش آقایان ذیل را معرفی

ینانیم تا با سرع اوقات موفقیت تشکیل گشته پرده اس از نظره چونانک ملکات بالا رفته قضای امید را با دیده دیر وطن مشاهده کنیم

تشکیل مجلس شاوره سلطنتی (یا آندوی وطن) بوالفلاح العظیم

اول کار ما بنام خدا پس مبارک بود چه چو قوما حضرت قدس الاعلی السلطان آقای کامران میرزا امیر کبیر آقای

میرزا علی سلطان حضرت آقا میرزا امیر کبیر آقای حاج میرزا محمد تقی میرزا امیر کبیر آقای قزاق سلطان آقای و ثوق الدوله اعلی حضرت فرمایند

وکل یا یقین بیا، سپهسالار عظم، قائم مقام الملک، شاهزاده  
 نصره الدوله، مولانا آقا سید صیبا الدین طباطبائی،  
 آقای سردر مقصد کاشانی، سرکار سردار عظم خراسانی، جناب  
 صارم الدوله، عالیجناب صاحب اختیار، شرف الملک حاج ناصر السلطنه  
 آقای اقبال الدوله، سلاطه تعادلات آقای کریم الاسلام خلجانی،  
 الحاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه، ملاذالایملاهم آقای طهر الاسلام حافظ دولتی  
 آقای حاج امین الدوله، عمده الاعیان و الاشراف آقا میرزا اشخان میرکون  
 زینت کربان آقای سردر نصرت با هم خوان این غت و نگاه شیر  
 الملک یزدی، مارکک سعید محترم انگلیس نغمه مصمص الملک  
 رنگ حسن دل، منشی قونولکی انگلیس درشت آقای صیبا العلماء  
 رشتی بجهت خط جناب متر و سده اهل بدین فریادین بن انگلیس  
 اما بعقیده ما این مجلس پس از تکمیل بدون وجود والا  
 حضرت اقدس یگانه دیلمات ایران آقای ناصر الملک خانی  
 باید و شاید موفق باصلاعات عمومی نخواهند شد خوبت  
 غیبت آن وجود گرامی را بیش ازین جایز ندانسته بعقودت  
 در دوشان را بایران و دوشان را در این مجلس از دربار  
 لذن درخواست نمایند.

اغلب آقا باینکه اسامیان از قلم افتاد و ذکر می ایشان نداشت  
 انشاء الله بکرم عظیم خود عفو خواهند نمود چون آرائش پیاده  
 بود ما سواره نوشتیم امید داریم (وطن) یکی از بزرگی  
 بموضع ناظر و آورد.

**رفع حرارت**  
 بر فیکه از فغارت انگلیس بارید حرارت اغلب اشخاص را که  
 بر فند بیدر حد بودند مبدل برودت نمود  
 دولت بریطانی بعلاوه حمایت ملل صغیره با صرف لبرهاری  
 انگلیسی حرارت را هم مبدل برودت مینماید

**ملاحظه ملتیک**  
 بیت دولت تبریک و تهنیت بکامیندینین، و نظریت

بولشویکها را باین جهت تاخیر انداختند که مبادا مسئول دربار بشوند  
 بشوند و بیطیرنی ایران سکت و وارد آید بعلاوه شاید راجع  
 تخلیه ایران از قشون روس حقیقی پیدا کند ولی ما بنها  
 میدیم که تازه جراید باکو می نویسند که بجای قشون افشار  
 کینخته دسته جات قزاق و گرجی برای توقف بایران  
 عودت خواهند نمود

اگر خود روسها بر رفتن راضی باشند بزرگان وطن رخصت  
 خواهند داشت ایران بجهنم دور از ادب است که بر مکتلا  
 سیل بزرگان وطن رفتار شده و وطن هم لرد ما راضی باشد

**بیطیرنی**  
 نه حیدری نه نعمتی  
 حیدری بدیر جنگل شد اگر قبول کنیم نعمتی اعتراض میکند  
 بتر این است بیطرف باشیم  
 جناب حیدری خوب است تشریف فرمای مرکز نژاد تاپس  
 از ختم دعوی حیدری نعمتی در بار ایران و اداره کردن  
 آبادیها آنوقت آبادی جنگلها سپردارند فعلا صلاح ما  
 بیطیرنی است باین جهت میگوئیم نه حیدری نه نعمتی.

**انگلیسیها**  
 انگلیسیها در بهمان قزاقهای روس را دعوت کردند  
 که با بی سی و پنج تومان بشاواد می شود که مثل پلیس جنوب مطیع  
 او امر نام شده در ایران رقامت کنید از طرف قزاقها  
 این تکلیف روشد (قزاقهای ایرانی بطبع نغیبهای  
 ایتنان است).  
 متابعت - آقای سردر نصرت در کرمان متابعت مطهرت  
 فرمانروا بجهت بهردوی باگرسندگان انگلستان سه روزند  
 گرفته اظهار انان سیر (برای پیاز) میل فرمودند.

(دولت بریطانی اجربده)  
 کوله بار آرائش پیاده  
 آتی ... به قبول و ن کند تا بول کنیم

شماره هیت دوم  
 جامی او  
 باید بعنوان  
 جنگل  
 بر راه چارنبره  
 کت نمره  
 این روز  
 ق  
 مصیبتی را که بان  
 مانی صبری مظهر  
 دیو کراسی روی  
 خوشنما نه میخواست  
 مصمن کند که  
 دیو کراسی مسلک  
 الطیمان است  
 پوشی کرده از  
 از فرقه فعال از  
 تمام در بار  
 مکار مظلوم از  
 که دیپلوما  
 کرده و همه را  
 ذخیره نموده  
 بقای قشون  
 فراغت از سرگ  
 بین السلی خلجانی